

واحكام پرتبعيض آن «رجوع در طلاق»



عکس: تبیان

دان و وکیل دادگستری حقوق - مهناز شریف

مهم و اساسی اشاره شد؛ گفتیم که برابر موازین فقهی و به تبع، به نکته «[ایران در طلاق احکام](#)» ها درباره در بخش اول این سلسله یادداشت دارد. «عقد ازدواج» ماهیت حقوقی به کل متفاوتی با «طلاق» آن قوانین حاکم در جمهوری اسلامی،

لازم «دو طرفه» است که به برای تحقق آن، اراده و خواست «عقد» ساده، یک، همانند یک معامله «ازدواج» به چه معنا؟ به این معنا که اراده و خواست صرفاً یک نفر (مسلماً هم در اینجا شوهر) «وصیت» آید که به مانده به شمار می «ایقاع حقوقی» است. اما طلاق یک می تواند منشا اثر حقوقی باشد.

- به ویژه در پیوند با احکام طلاق - آشکار حقوقی، در سراسر رژیم حقوقی خانواده در ایران «تبعیض» این تفکیک یا بهتر است بگوییم آمیز، چنانچه مردی همسر خود را طلاق دهد، از آن جایی که برای این امر نیازی به رضایت یا تبعیض این احکام شود. بر پایه دیده می خواست همسر خود ندارد، پس از طلاق نیز می تواند تا مدت مشخصی از تصمیم خود بازگردد یا از آن صرف نظر کند. (البته جزئیات یا خواهیم پرداخت.) ملاحظات دیگری نیز در میان است که در ادامه به آن

سپری طلاق (تا هنگام به این معنا که مرد مسلمان بدون آن که نیازمند طی تشریفات مشخصی باشد، تا مدت معینی پس از اجرای صیغه حقوقی، در فقه پیشین خود بازگردد. این تاسیس یا مناسبات پیچیده تواند به طور شرعی و قانونی، مجدداً به رابطه زن) می شدن عده شود. از آن یاد می «رجوع در طلاق» اسلامی و به تبع آن در قوانین جمهوری اسلامی، آثار متعددی دارد که زیر عنوان

در فقه و قانون ایران «رجوع در طلاق» احکام

معیار تقسیم» ، خود «قابلیت رجوع در طلاق» ای که در بالا به آن اشاره شد، از سویی دیگر هم برای ما اهمیت دارد؛ در واقع، قاعده قبلی در آن یا بازگشت به رابطه «رجوع» هایی را داریم که اساساً امکان است. به این معنا که ما در فقه و قانون، طلاق «انواع طلاق پیشینی نشده است.

گویند. برابر موازین فقهی، طلاق زن یا نسه، طلاق زنی که هنوز به نه سالگی می «های بائن طلاق» ها در فقه و قانون ایران، به این طلاق آیند. (به حساب می «بائن» های طلاق جنسی کاملی نداشته است. در زمره نرسیده است و طلاق زنی که در طول دوران زناشویی، رابطه [۱] ۵۴۱ قانون مدنی ایران مراجعه کنید.) توانید به ماده تر می برای اطلاعات دقیق

ها را نیز دفاتر اسناد این ازدواج اند و حتی مورد آخر از این جهت برای ما اهمیت دارد که بسیاری از زنان جوانی که در ایران ازدواج کرد رسمی ثبت کرده اند؛ اما از آنجایی که هنوز مراسم عروسی برگزار نشده و در خانه های پدری خود زندگی می کنند؛ کماکان خود را در که با توجه - ورزند. حالا اگر در این موارد جنسی کامل با همسران خود اجتناب می کنند و از برقراری رابطه قلمداد می «نامزدی» دوران «رجوع» و امکان محسوب می شود «بائن» ؛ مرد همسر خود را طلاق دهد. طلاق وی - شمار نیست به شرایط فعلی ایران خیلی هم کم برای چنین مردی وجود نخواهد داشت.

است. «بائن» های طلاق است که در زمره «مبارات» و «خُلَع» های موسوم به تر، احکام طلاق تر و البته متداول ها شاید مهم این اما از همه

کراهتی که از شوهر خود دارد؛ در مقابل مالی که به شوهر طلاق خُلَع آن است که زن به واسطه «۶۴۱۱ قانون مدنی ایران: برابر ماده «تر از مهر باشد. تر و یا کم دهد طلاق بگیرد. اعم از این که مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیش می

کم در آن مواردی که زنان شوند؛ طلاق خلع هستند. دست‌امروز ما واقع می‌هایی که در جامعه واقعیت این است که بسیاری از طلاق خواهان طلاق هستند؛ دادگاه‌های خانواده بایستی نوع طلاق را خلع قلمداد کنند تا به این وسیله امکان مزاحمت یا سواستفاده بعدی وجود نداشته باشد. «احکام رجوع» شوهران از

بینی شده است که از جهت احکام، بسیار شبیه به همین طلاق خلع در فقه اسلامی و قانون مدنی ایران، نوع دیگری از طلاق نیز پیش آن است که زن و شوهر به طور متقابل از یکدیگر کراهت داشته باشند و همدیگر را نخواهند. «طلاق مبارات» است.

های طلاق خواهد که در زمره «مبارات» در چنین حالتی، اگر زن مالی به شوهر خود بدهد تا شوهر وی را طلاق دهد؛ نوع طلاق است. «دو طرفه» های خلع دارند این است که در اینجا کراهت میان زن و شوهر، های مبارات با طلاق است. فرق اساسی که طلاق «بائن» [۲]

در برابر در طلاق خلع، این تنها زن است که نسبت به شوهر خود کراهت دارد. بنابراین مالی که زن برای راضی کردن شوهر خود برای طلاق می‌دهد؛ می‌تواند بیش‌تر از میزان مهریه مقرر باشد. اما در طلاق مبارات، از آنجایی که کراهت دوطرفه است؛ مالی که قرار است شوهر بگیرد بایستی بیش‌تر از میزان مهریه تعیین شده باشد.

احکام طلاق رجعی

خواهد بود. «طلاق رجعی» ها، اشاره شد. مابقی طلاق در خارج از مواردی که در بالا به آن

«است در طلاق رجعی، برای شوهر در مدت عده حق رجوع» ۸۴۱۱ قانون مدنی ایران: برابر ماده

اما فقها در مباحث [۳] داشته باشند؛ بسیار عام و کلی بحث شده است. «رجوع» رفتارهایی که دلالت بر هر چند در متن قانون، درباره فقهی خود به این موضوع با جزئیات و مصادیق روشن‌تری پرداخته‌اند.

مانند لمس و» تواند دلالت بر رجوع مرد داشته باشد نوشته است: برای مثال وحید خراسانی از مراجع شیعه در تشریح رفتارهایی که می‌تر از احکام مربوط به رجوع درهای بیش (برای آگاهی «شود هر چند قصد رجوع نداشته باشد. بوسیدن. رجوع به نزدیکی کردن محقق می‌توانید مراجعه کنید.) می‌پیوند میان فقهای شیعه، به این

لازم نیست که مرد شهادی برای این نیز لازم نیست که رضایت یا خواست زن در نظر گرفته شود. حتی «رجوع» به مانند خود طلاق، در برای «۴۳۵۲» نوشته است: شماره خود (مسئله همین موضوع، صافی گلپایگانی از دیگر مراجع شیعه در رساله تصمیم خود بیاورد. درباره رجوع کردن لازم نیست مرد شاهد بگیرد، یا به زن خبر دهد، بلکه اگر بدون این که کسی بفهمد، بگوید: به زخم رجوع کردم صحیح است، (۴۳۵۲ شماره مسئله گلپایگانی صافی) «ام، لازم است اثبات نماید. ولی اگر بعد از تمام شدن عده، مرد بگوید که در عده رجوع نموده

ایرانیان تاثیری نداشته باشد. این طور نیست که مقررات مربوط به رجوع تنها در چهارچوب مباحث فقهی بگنجد و در زندگی روزمره اجرایی دارند. ای از مواقع کاملاً جنبه واقعیت امر این است که احکام پرتبعیض رجوع، در پاره

، به استناد اینکه «خواهان دادخواست» بارز امکان اجرای این مقررات در احکام مربوط به طلاق غیابی است. جایی که زن در مقام نمونه دهد و پس از طی مراحل مختلف و معمولاً دشوار قضایی‌المکان است و آدرسی از او ندارد؛ دادخواست طلاق غیابی می‌شوهرش مجهول را از دادگاه بگیرد تا نماینده دادگاه به نیابت از همسر مفقودش وی را طلاق «گواهی عدم امکان سازش» شود که در نهایت موفق می‌تواند در هنگامی یک طلاق رجعی است. به این معنا که شوهر می‌شود، صیغه طلاقی که در پایان تمامی این مراحل خوانده می‌دهد. صیغه تمام زحمات زن را برای گرفتن طلاق یک خود استفاده کند و - قانونی البته - طلاق رجعی قرار دارد؛ از این اختیار شرعی که زن در دوره شبه از بین ببرد.

واقعیت این است که موازین فقهی مربوط به حقوق زنان و خانواده، چنان پرتبعیض و پردامنه است که تنها سخن گفتن از یک موضوع های طلاق» احکام طلاق در ایران، در نوبت بعد به این سلسله گفتارها در باره خاص، خود به زمان و فرصت زیادی نیاز دارد. در ادامه خواهیم پرداخت. «غیابی و احکام آن

پانویس:

۵۴۱ قانون مدنی ایران: ماده [۱]

در موارد ذیل طلاق، بائن است.

طلاقى كه قبل از نزديكى واقع شود؛

طلاق يائسه؛

باشد؛ نكرده طلاق خلع و مبارات مادام كه زن رجوع به عوض

سومين طلاق كه بعد از سه وصلت متوالى به عمل آيد اعم از اين كه وصلت در نتيجه رجوع باشد يا در نتيجه نكاح جديد.

طلاق مبارات آن است كه كراهت از طرفين باشد ولى در اين صورت عوض بايد زائد بر ميزان مهر» ي ۷۴۱۱ قانون مدنى ايران: ماده [۲].
«نباشد».

دلالت بر رجوع كند مشروط بر اين كه شود كه رجوع در طلاق به هر لفظ يا فعلى حاصل مى» ي ۹۴۱۱ قانون مدنى ايران: ماده [۳].
«مقرون به قصد رجوع باشد».